

بررسی مقایسه‌ای برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی ایران و آمریکا در دوره‌ی ابتدایی

دکتر حسین قاسم پور مقدم^۱، دکتر بهمن زندی^۲، مریم بخشش^۳

چکیده

در این پژوهش، برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و چهار ایالت آمریکا (کالیفرنیا، آریزونا، ویرجینیا و ویسکانسین) مورد بررسی قرار گرفته است. سؤال‌های پژوهشی عبارتند از: برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی در ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟ اهداف برنامه درسی آموزش زبان ملی در دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات فوق چیست؟ در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی در ایران و ایالات مورد نظر به چه مواد و منابع یادگیری توصیه شده است؟ در برنامه درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات مورد مطالعه از کدام روش‌ها استفاده می‌شود؟ در برنامه درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات مورد نظر ارزشیابی از پیشرفت مهارت‌های زبانی به چه صورت است؟ در برنامه درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات فوق چه استانداردهایی وجود دارد؟ راهکارهای ارتقا و بهبود برنامه درسی آموزش زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی ایران چیست؟ این پژوهش از نوع توصیفی بوده و اطلاعات لازم با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری و با توجه به مراحل روش جرج بردی تحلیل شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق برنامه درسی زبان آموزی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالت‌های کالیفرنیا، آریزونا، ویرجینیا و ویسکانسین آمریکا می‌باشد. در این تحقیق نخست عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی آموزش زبان آموزی دوره‌ی ابتدایی در ایران و ایالات یاد شده مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن در خصوص اهداف آموزش زبان در دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات مورد نظر بحث شده است. سپس مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی، روش‌های آموزش زبان و نحوه‌ی ارزشیابی از زبان در دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات فوق الذکر ذکر شده است. در قسمت دیگری پیرامون استانداردهای آموزش زبان دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات مورد مطالعه، مطالبی مطرح و در انتها پیشنهاداتی جهت ارتقا و بهبود برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی ایران ارائه گردیده است.

۲- دانشیار دانشگاه پیام نور تهران
تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱/۲
تاریخ تصویب مقاله: ۸۶/۱۲/۲۰

۱- دکترای برنامه‌ریزی درسی
۳- دستیار آموزشی دانشگاه پیام نور واحد ملایر
تاریخ آغاز بررسی مقاله: ۸۶/۱۱/۱۵

کلید واژه‌ها: بررسی مقایسه‌ای، برنامه‌ی درسی، برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی، زبان، زبان‌آموزی، دوره‌ی ابتدایی ایران، آمریکا (کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین).

مقدمه

پیشرفت مداوم انسان در جهت کشف ناشناخته‌های جهان و استفاده از دانش حاصل برای تکامل و بهتر زیستن، در گرو ارتباط و تعامل با یک‌دیگر است. زمینه‌ساز این ارتباط و اتحاد، همان وجه تمایز انسان با حیوان یا قوه‌ی ناطقه و زبان است. استعدادی که به منظور اثرپذیری و اثرگذاری انسان‌ها بر دنیای اطراف خود در وجود ما نهاده شده و ابزاری که فارغ از زمان و مکان، نسل‌های متعدد را در دل تمدن‌های بزرگ به یک‌دیگر پیوند داده است. بر این اساس، زبان‌های متفاوتی در دنیا ایجاد شده که هر یک از گذشته‌ای دور و تمدنی خاص با سیری تکاملی همراه با تغییرات، خواسته یا ناخواسته، به جهان امروز منتقل شده‌اند. انتقال این گنجینه‌ی ارزشمند از گذشته تا حال و از حال به آینده، همواره منوط به همت افرادی بوده است که زبان را از گذشته‌ی خود فرا گرفته و با نهایت دقت به نسل پس از خود آموزش داده‌اند.

ادوارد ساپیر^۱ (۱۹۲۱) در تعریف زبان چنین می‌گوید: «زبان یک روش غیر فطری و انسانی است که با استفاده از علائم تولید شده‌ی ارادی باعث ارتباط ایده‌ها، احساسات و آرزوها یا خواسته‌ها می‌شود. او زبان را بخشی از فرهنگ و بیکره‌ی سنتی و عادات اجتماعی می‌داند و تنوع نامحدود زبان‌ها را با مسائل فرهنگی، همچون مذاهب و اعتقادات و آداب و رسوم و هنرها، در نزد ملل گوناگون مقایسه می‌کند. جی تراگر^۲ (۱۹۴۹) زبان را سیستمی از علائم صوتی ارادی می‌داند که از طریق آن، اعضای یک جامعه در قالب کلیات فرهنگ خود از یک‌دیگر تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند. نوام چامسکی^۳ (۱۹۵۷) زبان را مجموعه‌ای «محدود یا نامحدود» از جملاتی می‌داند که هر یک با طول محدود و تعداد اجزای معینی ساخته

۱. Edward Sapir

۲. G. Trager

۳. Noam Chomsky

شده‌اند. از نظر او، شکوفایی زبان در نهاد کودک به سبب برنامه‌ی زبانی است که به طور فطری طرح‌ریزی شده است و بر حسب این که کودک در نخستین سال‌های رشد در معرض کدام زبان قرار گیرد، آن‌را فراخواهد گرفت. او عقیده دارد که زبان‌های گوناگون موجود در جهان، تنها از نظر ظاهر باهم تفاوت دارند.

چامسکی این خصوصیت‌های ظاهری را ساختار سطحی^۱ یا روساخت می‌نامد. از نظر او خصوصیات اساسی و زیربنایی زبان‌های موجود در دنیا یکسان است و زبان‌ها از این نظر با هم تفاوت ندارند. چامسکی این خصوصیات زیربنایی را ساختار عمیق^۲ یا ژرف‌ساخت می‌نامد و بر این باور است که در انتقال پیام به دیگران، ساختار عمیق درونی به ساختار سطحی تبدیل و از طریق، این ساختارهای سطحی پیام به دیگران منتقل می‌شود. وقتی شخصی پیامی را از دیگران دریافت می‌کند، ساختار سطحی دریافت شده از طرف مقابل را به ساختار عمیق تبدیل و آن‌را درک می‌کند.

هال^۳ (۱۹۶۴) می‌گوید زبان یک روش عرفی و قراردادی است که از طریق آن، انسان‌ها با یک‌دیگر ارتباط برقرار می‌کنند و بر حسب عادات و با استفاده از علائم ارادی گفتاری و شنیداری، بر هم اثر می‌گذارند. مارفیمه^۴ (۱۹۶۱) نیز در مورد زبان می‌گوید: «زبان ابزاری ارتباطی است که در هر جامعه به نحو متفاوتی به واحدهایی تجزیه می‌شود که دارای محتوای معنایی و صورت آوایی هستند و به تک‌واژه‌ها تجزیه می‌شوند. صورت آوایی نیز به نوبه‌ی خود به واحدهای تمایزدهنده و پیاپی تجزیه می‌گردد که شمارشان در هر زبان محدود است و ماهیت و روابط متقابل آن‌ها نیز از زبانی به زبان دیگر تفاوت دارد.» او از این تعریف نتیجه می‌گیرد که تنها آن ابزار ارتباطی زبان نام دارد.

از نظر ویگوتسکی^۵ (۱۹۶۲) زبان واسطه‌ای برای جریان‌ها و کارکردهای روانی انسان است و در رشد تفکر و آگاهی، نقش بسزایی دارد. از نظر ویگوتسکی، دستگاه روانی انسان در جریان رشد تاریخی او و در نتیجه‌ی کار و مبارزه‌اش با طبیعت، تحول می‌یابد و در جریان چنین تحوّل

۱. surface structur

۲. deep structure

۳. Hall

۴. morpheme

۵. Vygotsky

است که زبان و کارکردهای شناختی آن، ظهور و رشد پیدا می‌کنند. رشد زبان و تفکر انسان موجب جدا شدن او از طبیعت و ایجاد جامعه‌ی خاص انسانی می‌شود. کودک تحت تأثیر امور فیزیکی خارجی و در اثر وضعیت مشخص زندگی خود و با کمک زبان، رشد می‌کند و نسبت به خود و رفتار خود و امکان تصمیم‌گیری، در جریان کارکردهای روانی خویش آگاهی به‌دست می‌آورد. این جریان موجب می‌شود که فرد از سلطه‌ی ادراکات و وضعیت‌های آنی به‌درآید و در پس هر وضعیت یا ادراک، معانی و پیچیدگی‌های مربوط به آن را دریابد.

هالیدی^۱ (۱۹۷۳) بر این باور است که زبان دامنه‌ای از امکانات و مجموعه‌ای بی‌انتها از اختیارات در رفتار است که در زندگی تک‌تک افراد یک جامعه وجود دارد و زندگی (۱۳۸۱) هم می‌نویسد: «زبان نظامی منسجم از قواعد و نشانه‌های قراردادی و آوایی است که به صورت خلاق و بدون وابستگی به زمان و مکان در جوامع انسانی ایفاگر نقش‌های متعددی است که مهم‌ترین آن‌ها نقش ارتباطی است.»

امروزه در جوامع پیش‌رفته، برنامه‌های حساب شده و آگاهانه‌ای برای آموزش علمی و هدف‌مند زبان تدوین شده و با بررسی و تحقیق در مورد انواع روش‌های زبان‌آموزی، مؤثرترین آن‌ها در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان به‌کار گرفته شده است. حداقل سه نظریه وجود دارد که به‌طور ضمنی و آشکار، رویکردها و شیوه‌های تدریس زبان را شکل می‌دهد:

۱- نظریه‌ی ساختاری که در آن، سیستم عناصر مرتبط برای رمزگردانی معنی مهم و هدف از یادگیری، چیرگی یا تسلط بر عناصر این سیستم است که معمولاً با اصطلاحات واحدهای آواشناسی، واحدهای دستور زبانی و سؤال‌های واژگانی تعریف می‌شوند.

۲- نظریه‌ی کاربردی زبان که در آن زبان وسیله‌ای برای بیان معانی کاربردی است.

۳- نظریه‌ی ارتباطی یا تعاملی که زبان را وسیله‌ای برای فهم و روابط متقابل افراد و اجزای روابط اجتماعی بین افراد در نظر می‌گیرد. (Richards, ۱۹۹۹).

برنامه‌ی درسی به محتوای رسمی و غیر رسمی، فرآیند محتوا و آموزش‌های آشکار و پنهان اطلاق می‌شود که فراگیرنده از طریق آن‌ها و با هدایت مدرسه، دانش لازم را به‌دست می‌آورد، مهارت‌ها را کسب می‌کند و گرایش‌ها و ارزش‌ها را در خود تغییر می‌دهد (ملکی، ۱۳۸۳). از مهم‌ترین و اساسی‌ترین برنامه‌های درسی، برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی است. برنامه‌ی درسی آموزش زبان شامل مهارت‌ها و ابزارهای ارتباطی و کاربرد آن‌ها در قسمت‌های اصلی مضمون است. برنامه‌ی درسی شامل عناصر متفاوتی است که فرانسیس کلاین^۲ آن‌را ۹ عنصر می‌داند: اهداف و

۱. Halliday

۲. Francis klain

مقاصد، محتوا، مواد و منابع، فعالیت‌ها، راهبردهای تدریس، ارزشیابی، گروه‌بندی و زمان و فضا (قورچیان و تن‌ساز، ۱۳۷۴).

برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی دربرگیرنده‌ی تجربه‌ی ارتباطی، مطالعه‌ی ارتباطی و برقراری ارتباط با دیگران و خود است. بر این اساس، پنج عنصر برنامه‌ی زبانی شامل عنصرهای زبانی خواندن و شنیدن (عناصر زبانی دریافتی)، صحبت کردن و نوشتن (عناصر زبانی تولیدی) و تفکر، عنصر مشترک در تمام فعالیت‌های فکری زبان است. هریک از بخش‌های زبان، گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن در بخش‌های دیگر تأثیرگذار و با آن‌ها در تداخل است و هیچ‌یک را نمی‌توان به خوبی و جدا از بخش‌های دیگر آموزش داد (شریفی، ۱۳۷۶).

مارلو ادیگر^۱ (۱۹۹۲) در پژوهشی با عنوان «همه‌جانبه‌نگری محتوا در مهارت‌های زبانی» می‌نویسد: «هر دانش‌آموزی نیازمند تجربه کردن یک برنامه‌ی درسی آموزش مهارت‌های زبانی غنی است. دانش‌آموز باید سر کلاس احساس اعتماد به نفس داشته باشد و دیگران را در مجموعه‌ی کلاس بپذیرد.» پژوهشگر در این تحقیق، به منظور نشان دادن مزیت یک برنامه‌ی درسی همه‌جانبه‌نگر به مقایسه‌ی این برنامه با برنامه‌های درسی پیشین، یعنی برنامه‌ی درسی هم‌بسته - که در سال ۱۹۰۰ معرفی شد - و برنامه‌ی درسی آمیخته - که بعد از برنامه‌های هم‌بسته مطرح شد - پرداخته و برای روشن شدن روش‌های برنامه‌ی درسی همه‌جانبه‌نگر مثالی ارائه داده است. این مثال در حقیقت تجربه‌ای است که یک معلم با دانش‌آموزان خود داشته و به معرفی و استفاده از برنامه‌های درسی همه‌جانبه‌نگر منجر شده است. او در زمان تدریس مهارت‌های زبانی، علاوه بر فضای کلاس درس، از محیط زیست (طبیعت) نیز استفاده می‌کرد. دانش‌آموزان پس از مشاهده‌ی محیط طبیعی و دیدن مناظر آن مثل درختان بلوط، گردو، سنجاب‌ها و... و گوش دادن به نوای پرندگان، به کلاس برمی‌گشتند و در مورد تجارب دیداری و شنیداری خود با هم بحث و گفت‌وگو می‌کردند. سپس معلم تجارب دانش‌آموزان را روی تخته می‌نوشت و از آنان می‌خواست مطالب روی تخته را بخوانند. او به این نتیجه رسید که خواندن این مطالب برای دانش‌آموزان، در مقایسه با زمانی که آن‌ها را در کلاس درس آموزش می‌بینند، بسیار آسان‌تر و راحت‌تر است. زیرا از تمام مهارت‌های زبانی خود (گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن) به صورت هم‌زمان استفاده می‌کنند. نتایج تحقیق نشان داد که دانش‌آموزان نیازمند زمان و فرصت بیشتری برای فکر کردن در مورد مطالب نوشتنی هستند.

وجود اعتماد به نفس برای تولید ایده‌ها و عقاید کیفی امری ضروری است؛ در این زمینه،

باید اعتماد در بیان افکار و احساسات و ارزش‌های مورد قبول دانش‌آموزان تقویت شود. توجه بهینه به مهارت‌هایی چون گوش دادن، خواندن و نوشتن نیازمند توسعه‌ی تفکر مناسب درونی است. هر دانش‌آموزی دارای استعدادها، شایستگی‌ها و ظرفیت‌های خاص خود است که شایسته است این استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه را به دیگران هم نشان بدهد و آن‌ها را به عمل درآورد. هوارد کلی و سانبل^۱ (۱۹۹۵) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ی درسی و چارچوب استانداردها»، با تهیه‌ی چارچوبی، به مدارس در تنظیم برنامه‌های درسی و رفع نیازهای ضروری دانش‌آموزان استرالیا کمک کردند. تلاش این پژوهشگران این بود که مبانی نظری برنامه‌ی درسی در اجرا ملحوظ گردد. آن‌ها سعی کردند مفاهیم جدید برنامه‌ی درسی در قرن بیست‌ویکم را در دروس هنر، زبان انگلیسی، بهداشت و تربیت بدنی، زبان‌های غیر انگلیسی، ریاضیات، علوم و فن‌آوری به‌کار گیرند و برنامه‌ی درسی و چارچوب استاندارد هر یک از این دروس را برای دانش‌آموزان آمادگی تا پایه‌ی دهم، به منظور اطلاع برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به‌وضوح روشن کنند. در این پژوهش، برای برنامه‌ی درسی زبان، چهار مؤلفه‌ی اساسی (متون و موضوع‌ها، درک مفاهیم، ترکیبات و ساختارهای زبان و راهبردها) و برای هر یک از مؤلفه‌های اساسی، سه عنصر (سخن گفتن و گوش دادن، خواندن، نوشتن) در نظر گرفته شد.

وانتاسل باسکا، جانسون و بویس (۱۹۹۹) در تحقیقی با عنوان «خلق برنامه‌ی درسی آموزش مهارت‌های زبانی برای دانش‌آموزان بااستعداد» اذعان داشتند که برنامه‌ی درسی مهارت‌های زبانی برای دانش‌آموزانی با توانایی‌های بسیار، باید از پایه‌ای محکم و استوار برخوردار و بر اساس نیازهای آنان در درک مفاهیم از طریق پرسش و پاسخ باشد. این برنامه باید تمام مؤلفه‌های اساسی مهارت‌های زبانی مثل خواندن، ادبیات، نوشتن، ارتباطات شفاهی و مطالعه‌ی زبان را به‌صورت مجموعه‌ای همه‌جانبه از تجربیات، در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد.

در زمینه‌ی موضوع پژوهش در ایران نیز مطالعات محدودی انجام شده است. قاسم پور (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه‌ریزی زبان‌آموزی به‌منظور ارائه‌ی الگوی مناسب برای آموزش زبان فارسی» با تطبیق و مقایسه‌ی دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی، به توصیف مبانی فلسفی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی کشورهای آمریکا (کالیفرنیا)، انگلستان، آلمان (برلین)، ژاپن، عربستان سعودی و ایران پرداخته است. پرسش‌های مطرح شده در این پژوهش عبارت است از:

۱- در زمینه‌ی برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی چه دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌هایی وجود دارد؟

۲- برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی دوره‌ی ابتدایی کشورهای مورد مطالعه از چه عناصری تشکیل شده است؟

۳- در برنامه‌های درسی زبان‌آموزی کشورهای مورد مطالعه، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد؟

۴- رویکردها و روش‌های برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی کشورهای مورد مطالعه چیست؟

۵- الگوی مناسب برای برنامه‌ی درسی فارسی ابتدایی چیست و باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

الگوی پیشنهادی این پژوهش از شش بخش اساسی تشکیل شده که عبارت است از: بخش زیرساخت‌های اجتماعی، بخش نیازسنجی، بخش طراحی، بخش روش‌شناسی، بخش اجرا یا سازمان‌دهی و بخش اعتباربخشی یا ارزشیابی.

شریفی (۱۳۷۶) در پژوهشی با عنوان «تعیین رویکردها و روش‌های آموزش زبان فارسی در دوره‌ی آمادگی و پایه‌های اول و دوم دبستان»، زبان را از دید ساخت‌گرایان، روان‌شناسان و زبان‌شناسان مورد بررسی تاریخی قرار داده و در پایان، مقایسه‌ای بین مراحل رشد شناختی ویگوتسکی، پیازه و برونر انجام داده است که نتیجه‌ی آن چنین است: زبان پدیده‌ای است انسانی، ذهنی، زنده و زایا دارای ۴ مهارت کاربردی گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن که با تفکر و آموزش پیوند بسیار نزدیکی دارد. به این ترتیب که برنامه‌ریزی آموزشی مهارت‌های زبانی برای یک گروه سنی، با فراگیری مهارت‌های زبانی، رشد ذهنی و شناختی و زبانی آن‌ها و سیر تاریخی آموزش زبان پیوندی ناگسستنی دارد. در قسمت دوم این پژوهش، بیشتر مهارت‌های گوش دادن، سخن گفتن و خواندن و نوشتن همراه با دیدگاه‌های اندیشمندان این رشته و نیز اصول و راهبردهای آموزشی آن‌ها مطرح شده است. در قسمت پایانی نیز رویکردهایی برای خواندن از دید علم روان‌شناسی و نیز تعدادی رویکرد برنامه‌ی درسی به صورت پراکنده آمده و پژوهشگر ۱۴ توصیه‌ی کلان و ۹ توصیه‌ی خرد به برنامه‌ریزان درسی ارائه داده است.

جوادی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «مقایسه‌ی تطبیقی برنامه‌های درسی زبان انگلیسی در دو نظام رسمی و غیر رسمی کشور به منظور ارائه‌ی یک الگو» با بررسی ۵ آموزشگاه آزاد به توصیف وضعیت فعلی آموزش زبان انگلیسی در مدارس دولتی کشور پرداخته است. براساس

یافته‌های این پژوهش، نظام‌های آموزش زبان در آموزشگاه‌های آزاد و در مدارس دولتی در همه‌ی ابعاد برنامه‌ریزی درسی، با هم تفاوت دارند و در نهایت، این تفاوت‌ها تعیین‌کننده‌ی موفقیت یکی و شکست دیگری است. شاید مهم‌ترین وجه تمایز آموزشگاه‌ها از مدارس دولتی، داشتن هدف‌های متفاوت در انتخاب معلمان بهتر و مجرب‌تر، استفاده از رویکرد ارتباطی در آموزش و انتخاب محتوای مناسب‌تر و برانگیزنده‌تر باشد. در عین حال، تفاوت‌های دیگری نیز مانند نظارت دقیق بر فرآیند کار، برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر، وسایل کمک آموزشی، کلاس‌هایی با عده‌ی کمتر، ساعات مطالعه‌ی بیشتر، نظام ارزشیابی متفاوت و استاندارد بالاتر برای قبولی بین دو نظام وجود دارد.

با توجه به بافت فرهنگی و اقلیمی کشور و نظام آموزش و پرورش، در برنامه‌ی درسی زبان فارسی تلاش‌هایی برای احیای برنامه‌ریزی درسی صورت گرفته است؛ اما هنوز با برنامه‌های ارائه شده در کشورهای پیشرفته‌ی جهان، فاصله‌ی زیادی وجود دارد. تنوع بیش از اندازه‌ی شرایط اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان در نقاط گوناگون کشور، سیستم متمرکز آموزش و پرورش، استفاده نکردن از روش‌های جدید آموزش زبان و مسائلی از این قبیل، از جمله دلایلی است که باعث ایجاد ضعف در برنامه‌ریزی درسی زبان فارسی شده است.

در کشور ما بررسی‌ها و تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است؛ اما هنوز روش‌ها و برنامه‌های موجود به طور کامل پاسخ‌گوی نیازهای ما در زمینه‌ی آموزش فارسی نیست. به نظر میرمحمدی (۱۳۷۵) عقل سلیم حکم می‌کند که در قلمرو حساس و پیچیده‌ی تعلیم و تربیت، که بخش قابل توجهی از منابع مادی و انسانی جوامع صرف آن می‌شود، آزموده‌های سایر جوامع مورد شناسایی قرار گیرد و از طریق نقد و بررسی زوایای مطالعه شده، به استفاده‌ی آگاهانه و هوشمندانه از آن‌ها مبادرت شود. او می‌افزاید که مطالعات و بررسی‌های تطبیقی، واجد دست‌آوردهای مغتنمی برای نظام آموزش و پرورش به‌طور اعم و نظام برنامه‌ی درسی در حکم مهم‌ترین مؤلفه‌ی آن به طور اخص است.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی در ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین، از چه عناصر و مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟
- ۲- برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین چه اهدافی دارد؟

- ۳- در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی در ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین چه منابع و مواد یادگیری‌ای توصیه شده است؟
- ۴- در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین از کدام روش‌ها استفاده می‌شود؟
- ۵- در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین ارزشیابی از پیشرفت مهارت‌های زبانی به چه صورت است؟
- ۶- در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین چه استانداردهایی وجود دارد؟
- ۷- راهکارهای ارتقا و بهبود برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی ایران چیست؟

روش تحقیق

این تحقیق یک پیمایش مقایسه‌ای است و اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از طریق مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، گزارش‌های پژوهشی و جست‌وجو در شبکه‌ی جهانی اینترنت، به‌ویژه درسایت‌های آموزش و پرورش ایالت‌های مورد بررسی جمع‌آوری شده و الگوی جرج بردی در بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای آن مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه‌های مورد بررسی و مطالعه در این تحقیق، برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و چهار ایالت آمریکا شامل کالیفرنیا، آریزونا، ویرجینیا و ویسکانسین است.

یافته‌های پژوهش

سؤال ۱: برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین از چه عناصر و مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟

مطابق یافته‌های تحقیق، عناصر و مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی ایران و چهار ایالت مورد نظر در جدول ۱ مقایسه شده است:

جدول ۱: عناصر و مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و چهار ایالت آمریکا

ایران	کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا، ویسکانسین
۱. اصول	۱. اهداف
۲. اهداف	۲. استانداردهای محتوایی
۳. رویکردها و شیوه‌های زبان‌آموزی	۳. ارزشیابی
۴. ساختار محتوا و مفاهیم برنامه و کتاب‌های درسی	۴. مواد و منابع یادگیری
۵. ارزشیابی	۵. روش‌های آموزش مهارت‌های زبانی
۶. مواد آموزشی و کمک آموزشی	

از جدول ۱ می‌توان دریافت که هم ایران و هم چهار ایالت مورد نظر، به عناصری چون هدف، مواد و منابع یادگیری، روش و ارزشیابی توجه دارند. از آن‌جا که در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی ایران، نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز است، در عناصر برنامه مانند هدف، محتوا، روش و ارزشیابی هم دیدگاه متمرکز کاملاً مشهود است. عناصر و مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی ایران از نظر تعداد و کمیت بیشتر از ایالات مورد نظر است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن متمرکز بودن نظام آموزشی باشد. در ایالات مورد نظر، تمام عناصر و مؤلفه‌های برنامه‌ی زبان‌آموزی به طور منسجم و پیوسته نیامده است؛ بلکه مؤلفه‌هایی چون ساختار محتوا و کتاب‌های درسی، به منابع دیگری مانند آموزش و پرورش مناطق سپرده شده است تا درباره‌ی آن‌ها تصمیم بگیرند.

در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی ایران، به مؤلفه‌ی روش‌ها و رویکردهای آموزش زبان به‌طور مستقیم اشاره شده است؛ در حالی که در ایالات آمریکا، به این رویکردها به‌طور مستقیم اشاره نشده و روش‌های اشاره شده نیز پیشنهادی است. در برنامه‌ی درسی چهار ایالت مورد نظر به مؤلفه‌ی استانداردهای محتوایی اشاره شده و این مؤلفه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. در صورتی که جای این مؤلفه در برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی ایران خالی است.

در برنامه‌ی درسی ایران به عنصر ساختار محتوا و مفاهیم اشاره شده و ضمن رسم ساختار محتوای درسی کتاب‌های درسی فارسی ابتدایی، مفاهیم متفاوت دانشی، نگارشی، املائی، دستوری و ادبی نیز فهرست شده است.

سؤال ۲: برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین چه اهدافی دارد؟

مطابق یافته‌های تحقیق، اهداف آموزش زبان دوره‌ی ابتدایی ایران و چهار ایالت مورد نظر در جدول ۲ نشان داده شده است. نکات قابل توجه در مقایسه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی به این شرح است: در برنامه‌ی زبان‌آموزی ایالات یاد شده، هدف اصلی آموزش زبان، برقراری ارتباط مؤثر با محیط اطراف و آماده شدن برای ایفای نقش یک شهروند آگاه در اجتماع است؛ درحالی که این جنبه از آموزش مهارت‌های زبانی در اهداف زبان‌آموزی ایران چندان مورد توجه

نیست. در برنامه‌ی درسی زبان آموزی ایران به دلیل متمرکز بودن نظام آموزشی و محور قراردادن کتاب‌های درسی، بسیاری از آمال و خواسته‌های برنامه در خود کتاب درسی نمود یافته است. در برنامه‌ی زبان آموزی ایالات یاد شده، ابتدا اهداف کلی مطرح شده و سپس در استانداردهای هر پایه به تفکیک تبلور یافته است. اما در برنامه‌ی زبان آموزی ایران اهداف زبان‌آموزی همه‌ی پایه‌ها به صورت یک‌پارچه بیان شده است (راهنمای برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی چهار ایالت آمریکا، ۲۰۰۵)

جدول ۲: اهداف برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی در ایران و چهار ایالت آمریکا

ایران	کالیفرنیا	ویرجینیا	آریزونا	ویسکانسین
۱. آشنایی با ساختار زبان	۱. پوشش دادن تمام دانش‌آموزان اعم از دیرآموز، سرآمد، تلاشگر و دارای مشکلات خاص در یادگیری زبان.	۱. آموختن خواندن و نوشتن به دانش‌آموزان.	۱. ارتباط مؤثر و کارآمد دانش‌آموزان با مدرسه و جامعه‌ی خود در مقام یک عضو آگاه، مطلع و مفید.	۱. کمک به دانش‌آموزان برای یادگیری صحیح مهارت‌های ارتباطی.
۲. آشنایی با زبان گفتار و نوشتار	۲. یاد دادن، خواندن و نوشتن، درک کردن، ترکیب کردن و اجرای مهارت‌های زبانی به دانش‌آموزان.	۲. آماده‌سازی دانش‌آموزان برای شرکت در اجتماع در مقام یک شهروند باسواد و مطلع.	۲. گسترش و تقویت مهارت‌های زبانی که در سراسر زندگی برای رسیدن به اهداف مهم به آن نیازمندند.	۲. آشنا کردن دانش‌آموزان با میراث فرهنگی، ادبیات و زبان خود.
۳. آشنایی با نظم و نشر	۳. آموزش زبان با استفاده از رویکرد تحقیق محور.	۳. مجهز کردن دانش‌آموزان به توانایی برقراری ارتباط مؤثر با جامعه‌ی خود و محیط کار.	۳. غنی‌سازی شخصیت دانش‌آموزان.	۳. آشنایی و کمک به دانش‌آموزان برای خوب خواندن.
۴. آشنایی با جلوه‌های هنری زبان	۴. توجه به نیازها، علایق و توانایی‌های تمام دانش‌آموزان این ایالت	۴. تشویق دانش‌آموزان به ادامه‌ی تحصیل.	۴. توانا کردن دانش‌آموزان در سخن گفتن، گوش کردن، مطالعه و نوشتن.	۴. ایجاد نگرش مثبت و علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان برای خواندن مطالب متنوع و مختلف.
۵. آشنایی با مسائل گوناگون در قالب زبان	۵. تبحر و مهارت دانش‌آموزان در بهبود مشارکت در شهروندی و آموزش خود.	۵. فعال کردن دانش‌آموزان در مهارت شنیدن و در زمینه‌ی فراگیری تمام دستورها و قواعد زبان انگلیسی - آمریکایی.	۵. ایجاد اعتماد به نفس در دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون.	
۶. گسترش معانی و نمادها	۶. پیشرفت و تقویت مجموعه لغات در نوشتن و صحبت کردن.	۶. نظام‌مند ادبیات و آشنایی با آثار ادبی.		
۷. نگرش مثبت به مبانی اعتقادی	۷. مطالعه‌ی طبقه‌بندی شده و نظام‌مند ادبیات و آشنایی با آثار ادبی.	۷. تشویق دانش‌آموزان به مطالعه و علاقه‌مند کردن آن‌ها به خواندن در تمام طول عمر.		
۸. بیان عواطف و احساسات و تلطیف آن	۸. توانایی برای در دست‌یابی به دست‌آوردهای اجتماعی، فردی، اقتصادی در جامعه‌ی امروز و جهان فردا.	۸. تشویق دانش‌آموزان به مطالعه و علاقه‌مند کردن آن‌ها به خواندن در تمام طول عمر.		
۹. توجه به جنبه‌های زیبایی سخن	۹. توانایی دانش‌آموزان در دست‌یابی به دست‌آوردهای اجتماعی، فردی، اقتصادی در جامعه‌ی امروز و جهان فردا.	۹. مجهز ساختن دانش‌آموزان به استفاده‌ی حرفه‌ای از زبان برای تحلیل مسائل و ایده‌های پیچیده‌ای که در طول زندگی با آن مواجه‌اند.		
۱۰. تقویت مهارت‌های گوش کردن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن		۱۰. توانا ساختن دانش‌آموزان برای استفاده‌ی کامل و مؤثر از مهارت نوشتن در تحصیلات آتی و نیز شغل و فعالیت‌های شخصی آینده		

سؤال ۳: در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی در ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین، چه منابع و مواد یادگیری‌ای توصیه شده است؟

مطابق یافته‌های تحقیق، مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی در جدول ۳ نشان داده شده است:

جدول ۳: مواد و منابع آموزش زبان دوره‌ی ابتدایی در ایران و چهار ایالت آمریکا

ایران	کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا، ویسکانسین
۱. کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم	۱. کتاب‌های گوناگون آموزشی
۲. کتاب‌های راهنمای معلم	۲. مجله‌های متنوع آموزشی
۳. کتاب روش تدریس فارسی ابتدایی	۳. راهنماهای آموزشی منتشر شده در مراکز آموزش و پرورش
۴. کتاب مهارت‌آموزی زبان فارسی	۴. سایت‌های اینترنتی که به ارائه‌ی مواد متفاوت آموزشی می‌پردازند
۵. مجله‌های آموزشی	۵. نرم‌افزارهای آموزشی به صورت دیسکت و لوح فشرده
۶. فیلم، نوارصوتی و لوح‌های فشرده‌ی آموزشی	۶. فیلم و نوارهای آموزشی
۷. ابزارهای کمک آموزشی	

از آن‌جا که ایالات یاد شده دارای نظام آموزشی غیر متمرکزند، مواد و منابع بسیار متنوع و گوناگونی برای آموزش مهارت‌های زبانی در برنامه‌ی درسی آن‌ها وجود دارد که در دپارتمان‌های آموزش و پرورش هر منطقه فهرست می‌شود و در اختیار معلمان قرار می‌گیرد تا مطابق با وضعیت دانش‌آموزان خود از آن‌ها استفاده کنند. از جمله‌ی این مواد و منابع می‌توان به موارد متعددی مانند کتاب‌های آموزشی گوناگون، مجله‌های متنوع آموزشی، راهنماهای آموزشی منتشر شده به همت مراکز آموزش و پرورش، سایت‌های اینترنتی، نرم‌افزارهایی به صورت دیسکت و لوح فشرده و فیلم‌ها و نوارهای آموزشی اشاره کرد.

سؤال ۴: در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین از کدام روش‌های آموزشی استفاده می‌شود؟ با توجه به یافته‌های تحقیق، در ایران به سبب متمرکز بودن نظام آموزشی روش‌های آموزش کاملاً مشخص شده‌اند و این مسئله باعث ساده شدن کار برنامه‌ریزان، مجریان، دست‌اندرکاران و معلمان شده است. این روش‌ها عبارت‌اند از بحث و گفت‌وگو، پرسش و پاسخ، ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاقانه، روش تفکر استقرایی، بدیعه‌پردازی، روش اکتشافی و حل مسئله،

روش واحد کار(پروژه)، روش جمله‌محور، روش کلمه‌محور، روش آوامحور، روش هجامحور، روش‌های ترکیبی و تلفیقی(راهنمای برنامه‌ی درسی آموزش فارسی ابتدایی ایران، ۱۳۷۸).

در چهار ایالت مورد نظر هم به دلیل غیر متمرکز بودن برنامه‌های درسی زبان‌آموزی برای آموزش مهارت‌های زبانی، از روش‌های گوناگونی دوره‌ی ابتدایی استفاده می‌شود. در این خصوص، آموزش و پرورش این ایالات، فهرستی از روش‌های زبان‌آموزی را همراه با راهنمای آن‌ها و نمونه نتایج حاصل از این روش‌ها در اختیار مدارس مناطق گوناگون قرار می‌دهد تا بر اساس نیازهای خود از آن‌ها استفاده کنند.

با توجه به یافته‌های تحقیق در مورد روش‌های مورد استفاده در این ایالات می‌توان گفت بیشترین تأکید برای آموزش مهارت‌های زبانی بر استفاده از روش‌های تلفیقی، کلمه‌محور، آوامحور، دیداری- شنیداری، ارتباطی، بحث و گفت‌وگو، ایفای نقش، گردش علمی، اکتشافی و حل مسئله، قصه‌گویی، نمایش خلاقانه و... است (چهارچوب برنامه‌ی درسی مهارت‌های چهار ایالت آمریکا، ۲۰۰۵).

سؤال ۵: در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین، ارزشیابی از پیشرفت مهارت‌های زبانی به چه صورت است؟

با توجه به جدول ۴، در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی ایران ارزشیابی از مهارت‌های زبانی به صورت کتبی، شفاهی و مشاهده‌ی رفتار است(راهنمای برنامه‌ی درسی آموزش فارسی ابتدایی ایران، ۱۳۷۸). در ایالت کالیفرنیا، ارزشیابی از مهارت‌های زبانی شامل ارزشیابی ورودی، نظارت بر پیشرفت و ارزشیابی تراکمی است. با توجه به غیر متمرکز بودن نظام آموزشی، معلمان می‌توانند برای سنجش مهارت‌های زبانی از همه‌ی روش‌های ارزشیابی مثل روش‌های ارزشیابی کتبی، شفاهی، مشاهده‌ی رفتار و ارزشیابی از خود استفاده کنند. در ایالت آریزونا هم ارزشیابی‌هایی به صورت ایالتی و دوره‌ای برای سنجش مهارت‌های زبانی دوره‌ی دبستان صورت می‌گیرد. این ارزشیابی‌ها شامل ارزشیابی‌های ^۱ AIMS ، ^۲ ASAT ، ^۳ TrraNova ، ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی‌های دومانظوره است. در این ایالت هم این ارزشیابی‌ها به صورت‌های کتبی، شفاهی، مشاهده‌ی رفتار و خودارزشیابی قابل اجراست.

۱. Arizona's Instrument to Measure Standard (ابزار ارزشیابی استانداردها در آریزونا)

۲. Alternative State Achievement Test (آزمون دوره‌ای پیشرفت تحصیلی ایالتی)

۳. norm referenced test

در ایالت ویرجینیا از ارزشیابی‌های گوناگونی چون تست‌های SOL^۱، VSEP^۲، VGLA^۳، VAAP^۴ و ارزشیابی‌های اینترنتی SOL استفاده می‌شود. در ایالت ویسکانسین، ارزشیابی‌های استاندارد مهارت‌های زبانی را WSAS^۵ طراحی می‌کند که شامل ارزشیابی‌های عادی و متناوب و به صورت‌های کتبی، شفاهی، مشاهده‌ی رفتار و خودارزشیابی قابل اجراست. شایان ذکر است که ارزشیابی NAEP^۶ برای همه‌ی این ایالات‌ها به طور یکسان و از طریق سازمان‌های فدرال انجام می‌شود و یک رشته ارزشیابی‌های محلی نیز به صورت سلیقه‌ای و با توجه به وضعیت موجود، برای سنجش میزان تسلط بر مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان صورت می‌گیرد.

جدول ۴: نحوه‌ی ارزشیابی از آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی در ایران و چهار ایالت آمریکا

ایران	کالیفرنیا	ویرجینیا	آریزونا	ویسکانسین
۱. ارزشیابی از مهارت‌های شفاهی زبان	۱. ارزشیابی استاندارد ورودی	۱. ارزشیابی تست‌های SOL بر مبنای استاندارد SOL	۱. ارزشیابی‌های استاندارد AIMS	۱. ارزشیابی‌های استاندارد عادی WSAS
۲. ارزشیابی از تلفیقی از مهارت‌های کتبی زبان	۲. ارزشیابی استاندارد نظارت بر پیشرفت	۲. ارزشیابی VSEP بر مبنای استاندارد SOL	۲. ارزشیابی‌های استاندارد ASAT	۲. ارزشیابی‌های استاندارد متناوب WSAS
۳. ارزشیابی از فرآیند آموزش و فعالیت‌های دانش‌آموزان	۳. ارزشیابی استاندارد تراکمی	۳. ارزشیابی VGLA بر مبنای استاندارد SOL	۳. ارزشیابی‌های استاندارد TerraNova	۳. ارزشیابی‌های محلی NAEP
۴. ارزشیابی مستمر و توصیفی در کنار ارزشیابی پایانی	۴. ارزشیابی‌های محلی NAEP	۴. ارزشیابی VAAP بر مبنای استاندارد SOL	۴. ارزشیابی‌های استاندارد NAEP	۴. ارزشیابی‌های محلی NAEP
		۵. ارزشیابی اینترنتی SOL بر مبنای استاندارد SOL	۵. ارزشیابی‌های استاندارد NAEP	
		۶. ارزشیابی‌های محلی NAEP	۶. ارزشیابی‌های محلی NAEP	
		۷. ارزشیابی NAEP	۷. ارزشیابی NAEP	

۱. standard of learning (استاندارد یادگیری)
۲. Virginia Substitute Evaluation Program (برنامه‌ی ارزشیابی جای‌گزین در ویرجینیا)
۳. Virginia Grade Level Alternative (آزمون دوره‌ای سطح تحصیلی در ویرجینیا)
۴. Virginia Alternative Assessment Program (برنامه‌ی ارزشیابی دوره‌ای در ویرجینیا)
۵. Wisconsin Student Assessment System (سیستم ارزشیابی دانش‌آموزان در ویسکانسین)
۶. Nation Alternative Assessment Program (برنامه‌ی ارزشیابی عمومی)

با توجه به جدول ۴ نکات قابل توجه در مورد این ارزشیابی‌ها این است که به‌طور کلی در چهار ایالت مورد نظر، ارزشیابی از مهارت‌های زبانی به دو صورت کتبی و کیفی انجام می‌شود. در ارزشیابی‌های کیفی درجه‌بندی‌هایی به صورت کم‌مهارت، مبتدی، ماهر و پیش‌رفته وجود دارد و برخلاف ایران، در این ایالت‌ها بر خودارزشیابی تأکید بسیار شده و ارزشیابی‌های مورد استفاده برای ارزشیابی هر یک از مهارت‌های زبانی بسیار متنوع و دست معلمان در استفاده از آن‌ها باز است. در چهار ایالت مورد نظر، ارزشیابی از مهارت‌های زبانی بر مبنای استانداردها صورت می‌گیرد. بنابراین معیارهای تعیین شده در ارزشیابی‌ها هم در جهت اهداف استاندارد است. علاوه بر ارزشیابی‌های غیر متمرکز استاندارد و محلی، که در هر ایالت به طور مستقل انجام می‌پذیرد، یک ارزشیابی متمرکز استاندارد نیز برای همه‌ی آن‌ها انجام می‌شود.

سؤال ۶: در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی ایران و ایالات کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین، چه استانداردهایی وجود دارد؟

مطابق یافته‌های تحقیق، در کالیفرنیا استانداردهای آموزش زبان در هر پایه به چهار دسته تقسیم می‌شود: استانداردهای خواندن، استانداردهای نوشتن، استانداردهای مربوط به قراردادهای دستوری گفتار و نوشتار و استانداردهای گوش دادن و صحبت کردن. این استانداردها در ویرجینیا عبارت است از: استانداردهای مهارت‌های زبان شفاهی، استانداردهای خواندن و ادبیات، استانداردهای نوشتن و استانداردهای تحقیق. از پایه‌ی پنجم به بعد هم استانداردهای فن‌آوری رایانه به این مهارت‌ها اضافه می‌شود.

استانداردهای زبان‌آموزی آریزونا شامل استانداردهای خواندن، استانداردهای نوشتن، استانداردهای گوش دادن و صحبت کردن و استانداردهای برداشت کردن و ارائه‌ی مفهوم است. در ویسکانسین هم این استانداردها به شش دسته تقسیم می‌شوند: استانداردهای خواندن و ادبیات، استانداردهای نوشتن، استانداردهای زبان شفاهی، استانداردهای زبان، استانداردهای رسانه‌ها و فن‌آوری و استانداردهای تحقیق و بازیابی. در ایران، استانداردهای نظام‌مند و مدونی مانند استانداردهای این ایالت‌ها وجود ندارد.

با مشاهده‌ی جدول ۵ درمی‌یابیم:

۱- تعداد و تنوع استانداردها در این ایالات، به‌رغم مشترکات آن‌ها، متفاوت است. این تفاوت را می‌توان در مسائلی چون بافت اجتماعی و فرهنگی، غیر متمرکز بودن نظام آموزشی و اهداف زبان‌آموزی این ایالت‌ها جست‌وجو کرد.

۲- استفاده از رسانه‌ها و فن‌آوری مانند بهره‌گیری از مهارت‌های رایانه در هر چهار ایالت مورد توجه قرار دارد؛ به طوری که در برخی از آن‌ها در حکم یک استاندارد دوره‌ی ابتدایی مطرح شده است و در برخی دیگر از پایان دوره‌ی ابتدایی به صورت استاندارد مطرح می‌شود. در حالی که این مقوله در برنامه‌ی زبان‌آموزی ایران نه تنها استاندارد نیست، بلکه جزو اصول مطرح شده در برنامه‌ی زبان‌آموزی هم به شمار نمی‌رود.

۳- استفاده از کتاب‌های مرجع، مقالات، فرهنگ لغت، اطلس و منابع کتاب‌خانه‌ای چاپی و الکترونیک در هر چهار ایالت بخشی از مهارت‌های زبانی در استانداردها مورد تأکید قرار گرفته است. اما به لزوم استفاده از این مهارت‌ها در ایران توجه کمی شده است.

۴- استانداردهای مطرح شده برای چهار ایالت مورد نظر، مبنای پایه‌ای برای دیگر عناصر برنامه‌ی زبان‌آموزی است و بر این اساس، در مقایسه با دیگر عناصر دیگر برنامه‌ی زبان‌آموزی، به آن‌ها توجه و تأکید بیشتری شده است.

۵- از آن‌جا که در برنامه‌ی زبان‌آموزی ایران، استانداردها و راهکارهای عملی برای استفاده در کلاس‌های درس به روشنی مشخص نشده و در اصول برنامه فقط راهکارهایی به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران ارائه شده است، معلمان در اجرای آموزش تنها به رویکردها متکی هستند و برای استفاده از تکنیک‌های عملی، جانب احتیاط را در پیش می‌گیرند.

جدول ۵: استانداردهای آموزش زبان ملی دوره‌ی ابتدایی در ایران و چهار ایالت آمریکا

مهارت‌های زبانی	ایران	کالیفرنیا	ویرجینیا	آریزونا	ویسکانسین
نوشتن	-	✓	✓	✓	✓
خواندن	-	✓	-	✓	-
گوش کردن	-	✓	-	✓	-
صحبت کردن	-	✓	-	✓	-
قراردادهای دستوری گفتار و نوشتار	-	✓	-	-	-
زبان شفاهی	-	-	✓	-	✓
خواندن و ادبیات	-	-	✓	-	✓
تحقیق	-	-	✓	-	✓
برداشت کردن و ارائه‌ی مفهوم	-	-	-	✓	-
زبان	-	-	-	-	✓
رسانه‌ها و فن‌آوری	-	-	-	-	✓

سؤال ۷: راهکارهای ارتقا و بهبود برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی دوره‌ی

ابتدایی ایران چیست؟

با توجه به یافته‌ها، راهکارها و پیشنهادهای سودمند و مفیدی در این زمینه قابل ارائه است که می‌توان آن‌ها را در حوزه‌های متفاوت، در اختیار مسئولان، برنامه‌ریزان، معلمان و محققان قرار داد. تهیه و تدوین استانداردهای زبان‌آموزی و کاهش تمرکز در برنامه‌ی درسی آموزش فارسی، آن هم در برخی مؤلفه‌ها مانند روش‌های آموزشی و ارزشیابی، انعطاف‌پذیری معلمان در استفاده از روش‌های متنوع آموزش زبان، ایجاد تنوع در مواد، منابع و ابزارهای آموزشی در حیطه‌ی زبان‌آموزی، استفاده از روش‌های گوناگون ارزشیابی، افزایش سطح آگاهی و دانش معلمان در زمینه‌ی آموزش زبان از طریق ارائه‌ی مقالات، مراجع، کتابچه‌های راهنما و سایت‌های اینترنتی، از جمله راهکارهایی است که برای بهبود و ارتقای برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی ایران پیشنهاد شده است.

محدودیت‌های تحقیق

پژوهشگران این پژوهش، با محدودیت‌هایی مواجه بودند:

○ گستردگی کشور مورد مقایسه (آمریکا): از آن‌جا که این کشور شامل ایالات گوناگونی است که هر یک استانداردها و روش‌های متفاوتی برای برنامه‌ریزی اهداف آموزشی خود، به ویژه در زمینه‌ی زبان‌آموزی دارند، امکان مقایسه‌ی برنامه‌های درسی زبان‌آموزی ایران با همه‌ی ایالات وجود نداشت.

○ به دلیل کمبود اطلاعات در زمینه‌ی برنامه‌های زبان‌آموزی در ایالات کالیفرنیا، آریزونا، ویرجینیا و ویسکانسین، دسترسی به تمام عناصر برنامه‌های درسی زبان‌آموزی در این ایالت‌ها امکان‌پذیر نشد.

○ نبود امکان مشاهده‌ی مستقیم برنامه‌های زبان‌آموزی و نتایج حاصل از این برنامه‌ها در ایالت‌های مورد نظر، از محدودیت‌های قابل کنترل بعدی در این تحقیق بود.

○ کمبود تحقیقات پیشین در مورد این موضوع برای کسب اطلاعات بیشتر و کسب تجارب بهتر و ارزنده‌تر.

○ نبود استانداردهای زبان‌آموزی در برنامه‌ی ایران، موجب دشواری مقایسه‌ی برنامه‌های زبان‌آموزی در ایران با دیگر کشورهای صاحب استاندارد شد.

نتیجه‌گیری و بحث

در این تحقیق، برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی ایران و چهار ایالت کالیفرنیا، ویرجینیا، آریزونا و ویسکانسین در حوزه‌های متفاوتی نظیر مؤلفه‌ها و عناصر برنامه‌ی درسی، اهداف برنامه‌ی درسی، مواد و منابع یادگیری مهارت‌های زبانی، نحوه‌ی ارزشیابی از مهارت‌های زبانی و استانداردهای آموزش زبان مورد مقایسه قرار گرفت و موارد مشترک و متفاوت هر یک به تفکیک بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که تفاوت برنامه‌ی درسی چهار ایالت مورد نظر با ایران، در مقایسه با جنبه‌های مشترک آن بیشتر است. این موضوع یا به تفاوت بافت اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی این ایالات یا به پیشرفت تحقیقات در زمینه‌ی ارائه‌ی برنامه‌های درسی زبان‌آموزی ارتباط دارد. بررسی دلایل تفاوت‌ها از حوصله‌ی این تحقیق خارج و نیازمند تحقیقات گسترده‌تری است. به نظر می‌رسد پیاده‌سازی تجارب این ایالات در قالب راهکارهای بهبود برنامه‌ی درسی، نتایج مفید و سودمندی در بر داشته باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش، انتظار می‌رود دست‌اندرکاران برنامه‌ی درسی آموزش فارسی از نتایج و پیشنهادهای زیر به خوبی استفاده کنند:

۱- مطابق نتایج تحقیق، دیدگاه‌ها و رویکردهای زبان‌آموزی در این ایالات اساساً بر پایه‌ی سیستم آموزشی غیر متمرکز نهاده شده است. بر این اساس، از آن‌جا که تنوع فرهنگی و اقلیمی و اجتماعی در کشور ایران نیز مشابه این ایالات است، پیاده‌سازی نظام آموزشی با رویکرد کاهش تمرکز در برخی عناصر برنامه، به جای نظام آموزشی متمرکز در حوزه‌ی آموزش زبان، یک راهکار مناسب قابل بررسی است. در این زمینه می‌توان برای تدوین یک برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی، برخی عناصر و مؤلفه‌ها مانند ساختار محتوا و روش‌های آموزش زبان را به آموزش و پرورش و معلمان استان‌ها و مناطق ارائه داد و آن‌ها را در تکمیل این عناصر و مؤلفه‌ها سهیم کرد.

۲- بر اساس نتایج تحقیق، یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش زبان در ایالات مورد نظر، پرورش مهارت‌های برقراری ارتباط با محیط اطراف و جامعه است. این مقوله در اهداف زبان‌آموزی در ایران نیز نقش بسزایی خواهد داشت. به این سبب، باید امکان پیاده‌سازی آن در برنامه‌ی زبان‌آموزی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۳- بر اساس یافته‌های تحقیق، برخی اهداف آموزش زبان مانند پرورش تفکر، که در این ایالت‌ها در خلال استانداردها یا در اهداف برنامه‌های زبان‌آموزی عنوان شده، در کتاب‌های درسی ایران ملحوظ شده است. امکان دارد در برخی موقعیت‌ها، این وضعیت به غفلت و بی‌توجهی به این اهداف در زمان آموزش منجر گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود اهداف ملحوظ شده در

کتاب‌های درسی، به‌نحو واضح‌تری در راهنمای برنامه‌ی درسی آموزش زبان گنجانده شود و برای توجه بیشتر، در اختیار معلمان قرار گیرد.

۴- یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در مواد و منابع آموزشی ایران و این ۴ ایالت، استفاده از منابع اینترنتی و سایت‌های خاص برای در اختیار گذاشتن مواد و منابع آموزش زبان است. آموزش استفاده از رایانه و به‌ویژه منابع اینترنتی، در افزایش اطلاعات و آگاهی معلمان برای آموزش زبان و انتقال تجارب به یک‌دیگر بسیار ضروری است.

۵- با توجه به این که مواد و منابع آموزشی در این ایالت‌ها، در مقایسه با ایران تعدد و تنوع بیشتری دارد، افزایش منابع و مواد موجود، بهبود ابزارها و تجهیزات دیداری - شنیداری برای آموزش زبان و اختصاص بودجه‌ی کافی برای تهیه‌ی آن‌ها در ایران ضرورت دارد. در این زمینه می‌توان به تهیه‌ی امکانات برای استفاده‌ی دانش آموزان از منابع اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی الکترونیک جهت انجام‌دادن تحقیقات، تشکیل سمینارها، سخنرانی‌ها و موارد مشابه در جهت تقویت مهارت‌های زبانی اشاره کرد.

۶- تنوع و تعدد روش‌های آموزش زبان در این ایالت‌ها به اندازه‌ای است که معلمان می‌توانند با توجه به وضعیت دانش‌آموزان خود، روش بهینه را اختیار کنند و به نتایج بهتری در یادگیری مهارت‌های زبانی دست یابند. آزمایش و استفاده از مجموعه روش‌ها در این ایالات از طریق معلمان موفق یا تحقیقات دانشگاهی مورد تأکید قرار گرفته است؛ ولی در برنامه‌ی درسی آموزش زبان ایران به این موضوع کمتر توجه شده است. به این سبب، پیشنهاد می‌شود امکان آزمایش و استفاده از این روش‌ها، از طریق آموزش نیروی انسانی فراهم آید.

۷- نتایج تحقیق نشان داد که در زمینه‌ی آموزش مهارت‌های زبانی در این ایالت‌ها، به معلمان آزادی عمل بیشتری در نوع روش و نحوه‌ی استفاده از آن برای آموزش زبان داده می‌شود. بنابراین در ایران نیز می‌توان از ابتکار و خلاقیت معلمان در استفاده از روش‌های گوناگون آموزش زبان به درستی استفاده کرد.

۸- در مورد ارزشیابی یادگیری مهارت‌های زبانی در ایران، ملاک‌ها و معیارهای روشنی وجود ندارد. به این سبب، امکان دارد این موضوع باعث غفلت در آموزش همه‌جانبه‌ی مهارت‌های زبانی از جانب معلمان یا ناهمگونی در سطح یادگیری مهارت‌ها و تحقق نیافتن کامل اهداف آموزش زبان شود. بنابراین علاوه بر آزادی عمل در ارزشیابی‌های محلی و منطقه‌ای، باید تهیه و تدوین استانداردهایی در زمینه‌ی ارزشیابی از مهارت‌های زبانی در دوره‌ی ابتدایی مورد توجه

قرار گیرد.

۹- مطابق نتایج تحقیق، ارزشیابی‌های فدرال، ایالتی و محلی در چهار ایالت مورد نظر به دو صورت کلی کمی و کیفی انجام می‌شود. اجرای این ارزشیابی‌ها در سطوح متفاوت استانی و منطقه‌ای، به‌خصوص به شیوه‌ی کیفی، در بهبود روش‌های ارزشیابی آموزش زبان دوره‌ی ابتدایی ایران راهکار مفیدی است.

۱۰- از مهم‌ترین روش‌های ارزشیابی، که در هر ۴ ایالت مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، روش خودارزشیابی، گزارش والدین و هم‌ارزشیابی است که بهتر است پیاده‌سازی آن‌ها در ایران نیز در دستور کار برنامه‌ریزان و معلمان قرار گیرد.

۱۱- بر پایه‌ی تجربیات ایالات مورد نظر در آموزش مهارت‌های زبانی، برای رسیدن به اهداف این آموزش باید استانداردهایی تدوین کرد که دانش‌آموزان را قدم به قدم به‌صورت همه‌جانبه تا مراحل نهایی پیش ببرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود ملاک‌ها و معیارهایی برای آموزش مهارت‌های زبانی، در حوزه‌های مفهومی گوناگون و برای دوره‌های پیش دبستانی تا دبیرستانی تدارک دیده شود.

۱۲- استفاده از رسانه‌ها و فن‌آوری، کتاب‌های مرجع، مقالات، فرهنگ لغت، اطلس و منابع کتابخانه‌ای چاپی و الکترونیک، که در برنامه‌ی زبان‌آموزی ایران نقش چشمگیری ندارد یا به‌صورت پراکنده مطرح شده است. اما می‌توان در قالب استانداردهای شکل‌یافته و عمومی آموزش زبان در مدارس ابتدایی، برای یادگیری مهارت‌های زبانی از آن‌ها استفاده کرد.

۱۳- با توجه به لزوم ادامه‌ی تحقیقات تطبیقی و مقایسه‌ای، پیشنهاد می‌شود در خصوص برنامه‌های درسی زبان‌آموزی کشورهای توسعه‌یافته‌ای مثل ژاپن، انگلستان، ایتالیا و...، پژوهش‌های تطبیقی و در خصوص برنامه‌های درسی زبان‌آموزی کشورهای مشابه ایران مثل هندوستان، پاکستان، افغانستان و...، پژوهش‌های تطبیقی انجام شود. در زمینه‌ی برنامه‌های درسی زبان‌آموزی دوره‌های بالاتر (راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه) نیز پژوهش‌های تطبیقی انجام شود.

منابع

- ۱- آقازاده، احمد (۱۳۷۹). آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: سمت.
- ۲- باطنی، محمد رضا (۱۳۷۱). پیرامون زبان و زبان‌شناسی و مجموعه مقالات، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۳- جوادی، محمدجعفر (۱۳۸۰). مقایسه‌ی تطبیقی برنامه‌های درسی زبان انگلیسی در دو نظام رسمی و غیر رسمی کشور به منظور ارائه‌ی یک الگو، تهران: دفتر تکنولوژی آموزشی.
- ۴- چامسکی، نوآم (۱۳۷۷). زبان‌شناسی دکارتی (فصلی از تاریخ تفکر عقل‌گرا)، ترجمه‌ی احمد طاهریان، تهران: انتشارات هرمس.
- ۵- زندی، بهمن (۱۳۸۲). اصول و مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان فارسی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۶- شریفی، هدیه و نعمت‌زاده (۱۳۷۶). بررسی تاریخی آموزش زبان، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ۷- قاسم‌پور مقدم، حسین (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی به منظور ارائه‌ی الگوی مناسب برای آموزش زبان فارسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- ۸- قورچیان، نادرقلی و تن‌ساز، فروغ (۱۳۷۶). سیمای روند تحولات برنامه‌ی درسی، به عنوان یک رشته‌ی تخصصی از جهان باستان تا جهان امروز، تهران: مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۹- ملکی، حسن (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ ششم.
- ۱۰- مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۵). «بررسی تطبیقی برنامه‌ریزی درسی ایران و آلمان»، فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت، دوره‌ی نهم، ۳۵ و ۳۶.
- ۱۱- واتنسل باسکا، جانسون و بویس (۱۹۹۹). خلق یک برنامه‌ی درسی آموزش مهارت‌های زبانی برای دانش‌آموزان با استعداد (creating a new language art curriculum for high ability learners).
- ۱۲- ویگوتسکی، (۱۳۷۶). اندیشه و زبان، ترجمه‌ی حبیب‌الله قاسم‌زاده، چاپ سوم، تهران: انتشارات فرهنگیان.

۱۳- هوارد، کلی و سام، بال (۱۹۹۵). طرح پژوهشی برنامه‌ی درسی و چارچوب /استانداردها (curriculum and standards framework)، استرالیا: شورای پژوهشی مدارس ویکتوریا.

14. English Language Arts Content Standards for California Public School, Kindergarten through Grade Twelve, by the California Department of Education, 2005. <http://csmc.ucop.edu/crlp/standards/content.html>

15. Language Arts Standards, by the Arizona Department of Education, 2005. <http://www.ade.stat.as.us/standards/language-arts/default.asp>

16. Standards of Learning for Virginia Public School: English Standards of Learning, by the Board of Education, Commonwealth of Virginia, 2004. <http://www.pen.k12.va.us/go/Sols/english.html>

17. Wisconsin's Model Academic Standards for English Language Arts, Wisconsin Department of Public Instruction, 2005. <http://www.dpi.stat.wi.us/standards/elaintr.html>

18. Reading/Language Arts Framework for California Public Schools, California Department of Education, 2005.

19. Ediger M. (1992) Integrate of Content in the Language Arts, American Education Department. <http://www.eric.ed.gov>

20. Saez F. T. (2001) Teaching Languages to Young Learners: A Historical Perspective, European Models of Children education, University of Granada.